

اطلاعیه هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره اصول کار سازمانی

هیئت سیاسی کمیته مرکزی در یکی از جلسات خود، بر اساس رهنمود های پلنوم هیجدهم، شیوه های کار تشکیلاتی در ایران را مورد بررسی قرار داد و به نتایج زیرین رسید.

- ۱- مهمترین و عاجل ترین وظیفه ای که در حال حاضر در برابر حزب قرار دارد، ایجاد هسته های است که بتوانند در موقع مقتضی به سرعت بهم بیوندند و سازمان واحد را بوجود آورند.
- ۲- در ایجاد این هسته ها باید اصول چهارگانه عدم تمرکز، ترجیح کیفیت بر کمیت، تلفیق کار علنی و مخفی و حفظ اسرار حزبی اکیداً مراعات شود. عدم تمرکز به معنای ایجاد هسته های کوچک حزبی (مرکب از ۲ تا ۵ نفر) است، که باید جدا از هم بوجود آیند و هر یک مستقلاً با دستور رهبری حزب عمل کنند. این هسته ها باید در عین جدائی سازمانی از هم، از خط مشی سیاسی - ایدئولوژیک حزب تبعیت کنند و از این حیث، یک واحد منضبط و بهم پیوسته را بوجود آورند. عدم تمرکز به معنای جلوگیری از ایجاد سازمانهای حزب نیست، بلکه بمنظور هموار کردن راهیست که در مرحله نهائی باید به ایجاد سازمان واحد منجر شود.

بقیه در صفحه ۲



دوره هشتم - سال اول - شماره ۳
پنجشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۶۳
بهمن ۲۰ ریال

شورای نگهبان - دژ استوار ارتجاع و استبداد

نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانسون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شسورای نگهبان است. یعنی در کشوری که تساوی حقوق شهروندان در قانون انسانی آن تصریح شده است، نفس این حق در بالاترین ارگان قانونگذاری آن، یک وظیفه است.

در رژیم گذشته، سناتورها حق حضور در جلسات مجلس را نداشتند، و این اصل در تمام کشورهای که دارای دو مجلس هستند مراعات میشود. ولی مطابق اصل ۹۷ قانون اساسی، اعضا شسورای نگهبان نه تنها حق حضور در جلسات مجلس را دارند، بلکه "وقتی طرح یا لایحه ای فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند."

از دیگر حقوق و امتیازاتی که شسورای نگهبان دارد و مجلس سنا نداشت، حق تفسیر قانسون اساسی است. بالاتر از همه تفاوت اساسی میان صلاحیت و اختیارات سنا و شسورای نگهبان است. سنا کم و بیش یک ارگان تشریفاتی قانون گذاری بود، در حالی که شسورای نگهبان در روند تدوین، تنفیج، رد یا تصویب قوانین، اعنسم از قوانین مالی و غیر مالی اختیارات نامحدود دارد.

بقیه در صفحه ۴

در میان ارگانهای اجرائی، قانونگذاری و قضائی جمهوری اسلامی، شسورای نگهبان مقام ویژه ای دارد. در اصول ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی ترکیب اختیارات و وظائف شسورای نگهبان بیان شده است. این شورا که ۱۲ عضو دارد (شش فقیه و شش حقوقدان) در اساس همان نقشی را بازی می کند که مجلس سنا در رژیم گذشته بازی میکرد، البته با تفاوت های زیرین: مجلس سنا ۳۰ عضو داشت و تعداد اعضا شسورای نگهبان یک پنجم آن، یعنی ۱۲ نفر است. اعضا سنا نیمی انتخابی بودند و نیمی انتصابی. ۱۲ نفر عضو شسورای نگهبان هیچکدام انتخابی نیستند. بدین معنی که شش نفر فقیه عضو را که باید "عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز باشند"، رهبری شسورای رهبری تعیین می کنند و شش نفر حقوقدان را مجلس شسورای اسلامی، از میان حقوقدانانسی که شسورای عالی قضائی به آن معرفی کرده است بر میگزینند. بهر صورت مردم در انتخاب هیچیک از این حضرات کوچکترین مداخله ای ندارند.

در مجلس سنا، سناتورها دارای حقوق و وظائف مساوی بودند، ولی اعضا شسورای نگهبان دارای حقوق و وظائف مساوی نیستند. مطابق اصل ۹۶ تشخیص عدم مغایرت صویات مجلس شسورایلی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شسورای

احیاء سازمانهای حزب شرط عمده پیروزی در مبارزه

در اسناد پلنوم هیجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران تصریح می شود، که "انقلاب علیرغم کوشش پیگیری حزب توده ایران و دیگر نیروهای مدافع آرمانهای توده های محروم، در مرحله سیاسی متوقف شد و نتوانست به انقلاب اجتماعی فراروید. انقلاب ضد امپریالیستی، ضد استبداد و دیکتاتیک به استبداد قرون وسطائی برای احیاء نظام سرمایه داری وابسته انجامید."

و این نتیجه قهری پیروزی جناح ارتجاعی در مبارزه "که برکه" است، که از نخستین روز استقرار ج ۱۰، در میان گروههای مختلف حاکمیت جریان داشت. بدینسان انقلاب از مسیر اصلی، یعنی ایجاد تحولات بنیاسدی اجتماعی - اقتصادی، که هدف عمده انقلاب پیروزمند بهمن ۵۷ بود، منحرف شد. بنابراین میتوان گفت تضاد های جامعه ما، یعنی تضاد بین خواستهای دیکتاتیک و آرایخواهانه توده ها و رژیم ترور و اختناق و استبداد و تضاد بین منافع خلق و نظام متکی بر کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، حل نشده باقی مانده است.

هم اکنون با احیاء مواضع امپریالیسم و انحمارهای خارجی در کشور تضاد بین منافع ملی و تسلط امپریالیستهای غارتگر نیز به تدریج اوج میگردد. تردیدی نیست که این تضاد ها تحت تأثیر تحولات جهانی، که وجه شاخص آن تغییر تناسب نیروها بسود جبهه متحد سه نیروی عمده انقلابی عصر ما، یعنی سوسیالیسم، جنبش کارگری جهانی و جنبش رهایی بخشمی، هر روز شدت خواهند یافت.

در چنین شرایطی وظیفه عملی مبارزان انقلابی اعضای حزب توده ایران اینست که با تحلیل علمی و همه جانبه رویدادها و با پندگیری از گذشته، مبارزه سازمان یافته حزبی را هر چه زودتر سازمان دهند. در قطعنامه پلنوم هیجدهم خاطر نشان میگردد: "مهم ترین، بقیه در صفحه ۲

آزادی زندانیان سیاسی یا عوام فریبی ارتجاع؟

زندانیان می شود. ظاهراً بشمولین عفو و تخفیف برخی از زندانیان عادی هستند که به جسم کلاه برداری، ارتشنا، دزدی، اعتیاد و همه جرائم ناشی از استثمار، بیکاری و فقر، و نیز به جرم ارتشاب جرائم نوظهور "بی حجابی"، "هتک عفت عمومی"، "روزه خواری" و دهها "جرم" از این دست زندانیان را بر کرده اند و حالا به آنها نوبت آزادی داد میشود. اما مفاد بخشنامه با عبارات دو پهلو و قابل تفسیر و "اما" ها و "مگر" بقیه در صفحه ۶

سرانجام پراز مدت ها انتظار کوه موش را نرسید. به پیشنهاد موسوی اردبیلی به مناسبت "بوم الله ۱۵ خرداد"، و در واقع در اثر فشار افکار عمومی و هزاران خانواده از هم گسیخته که خواهان آزادی بلا شرط زندانیان سیاسی هستند "گروهی از زندانیان" مورد "عفو" و "تخفیف" قرار گرفتند، "البته تحت شرایطی" (حال ببینیم که این "عفو" و "تخفیف" چگونه است و تحت چه شرایطی، شامل کدام گروه از

پایدار باد همبستگی جهانی با زندانیان توده ای!

بقیه از صفحه ۱ احیاء سازمانهای حزب

ماجل ترین و مرکزی ترین وظیفه‌های که در حال حاضر در برابر حزب ما قرار دارد احیای سازمانهای خود در کشور است. باید تمام کوشش خود را در جهت تدارک همه جانبه احیاء آنچنان سازمان سیاسی انقلابی که بتواند در جریان تحویل جامعه در هر حال نقش‌آفرینی سیاسی نسبت به امپریالیسم و ارتجاع و نقش‌نهی‌کننده و سازمان‌دهنده مبارزات طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را بر عهده رود ترا بیاورد، کند، بکار برد.

احیاء سازمانهای حزب توده ایران، که نگاه حزب ملزوم‌ترین طبقه کارگر و عمده زحمتکشان ایران است، در مرحله کنونی شرط عمده ادامه پیروزی مبارزه در راه ایجاد زمینه برای تداوم انقلاب است. درست همین علت است، که لبه‌لزه حملات عمده نیروهای ضد انقلابی و نفروسیه انداز در داخل و خارج کشور متوجه حزب ما است. شبکه‌های سازمانی فرمایشی و نمایش‌های رادیکال و تلوویزیونی از نوع آنچه ساواک در دوران رژیم شاه مخلوع براه انداخت و نیز صخاکساست نظامی و بالاخره شکنجه و قتل و اعدام اعضا، حزب توده ایران هم از اینجا نشأت می‌گیرد.

سران رژیم که در حرف مدعیی مقابلیه با امپریالیسم هستند، عملاً در صف واحدی با امپریالیسم و عمال آن حزب مارا مورد شدیدترین و سیف‌ترین اتهامات و حملات خود قسراً داده‌اند.

مبارزه با امپریالیسم و قطع نفوذ آن در کشور، که خواست عمده نیروهای محرکه انقلاب است، در شرایط بدست فراموشی سپرده شده و انحراف از آماجهای انقلاب در همه زمینه‌ها، هم در سیاست داخلی و هم در سیاست خارجی‌هاست. مرکزی سیاست سران ج ۱۰ را تشکیل می‌دهد. توده‌های ستیزی و شوروی ستیزی در مرکز وظایف

دستگاههای تبلیغاتی رژیم قرار دارد. این برخورد خصمانه نیروهای متحد ارتجاع و ضد انقلابی بهترین دلیل حقانیت راه حزب ما، برتدگی و جذابیت ایدئولوژی و جهان بینی آن و تأیید این واقعیت است، که حزب توده ایران از ژرفای نیاز طبقاتی جامعه برخاسته و امید و پناهگاه توده‌های تحت ستم و سنگسار زحمتکشان برای مقابله با دشمنان خلق است. و بالفعل و بالقوه، اجتناع پیگیرترین و اصولی‌ترین مبارزان جنبش انقلابی میهن ماست.

همین علت است که تجدید سازمانی حزب در لحظه کنونی عمده ترین وظیفه مبارزان انقلابی است. امر احیاء هسته‌های مستقل حزبی و طبقه همه اعضا و هواداران آن است. درست به همین سبب در مملعهامه پلنوم هیجده هم کمیته مرکزی خاطر نشان میشد: تجدید سازمان در کشور مهم‌ترین، حادترین و مرکزی‌ترین مسئله ما در حال حاضر است. بدون حل این مسئله مهم و حیاتی، حل دیگر مسائل ممکن نیست. ما اطمینان داریم که علیرغم تبلیغات افترا آمیز جبهه متحد ارتجاع ایران و امپریالیسم و عمال محلی آن علیه حزب پرافتخار ما، علیه کمونیسم و علم کشورهای سوسیالیستی حقانیت و اصالت سیاست انقلابی و خلقی حزب توده ایران هر روز بیشتر میان میهن دوستان واقعی و توده‌های میلبونی زحمتکشان جای باز خواهد کرد و توجه مبارزان مدافع محرومین را در کشور هر چه بیشتر جلب خواهد نمود.

طبیعی است که کار پی‌گیری انقلابی ما در همه زمینه‌های زندگی اجتماعی کشور در تسریع این جریان کمک خواهد کرد. هر قدر عمل فعال ما در تجدید سازمان حزب در کشور پیگیرتر، دقیقتر و وسیعتر باشد، موفقیت جنبش در زمینه اعمال فشار در جهت عقب راندن ارتجاع داخلی و جلوگیری از گسترش تسلط امپریالیستی سربرتر صورت می‌گیرد و مبارزه در زمینه تدارک شرائط لازم

برای تداوم انقلاب پرشمرتر خواهد شد. لکن به ما می‌آموزد، که احیاء سازمانهای حزب انقلابی طبقه کارگر تنها در جریان مبارزات همه جانبه اجتماعی امکان پذیر است. بدون شرکت فعال در مبارزات مردم، در همه عرصه‌های زندگی جامعه نمی‌توان پیشقراول طبقه کارگر را متشکل ساخت. با نشوری انقلابی مجهز کرد، در جریان نبرد با تجربه شخصی آموزش داد، پیوندش را با خلق محکم کرد و آنرا برای هدایت مبارزات خلق آماده ساخت. در عرصه مبارزات اجتماعی، در همه بخش‌ها مبارزات اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک است، که بنای سازمان محکم و استوار سیاسی طبقه کارگر پی‌ریزی میشود. در زندگی اجتماعی کنونی کشور ما، علیرغم تدریج و اختناق، این هر سه بخش مبارزه اجتماعی جریان دارد.

تکلیف عامیانه جهان بینی حزب ما از جانب حکام مرتجع ج ۱۰، خود نشانه ضعف مخالفین ما و جذابیت ایدئولوژی حزب ما است. باید خاطر نشان ساخت که برای اعضا، حزب توده ایران همه گونه امکان وجود دارد تا به انکال گوناگون در مبارزات جاری اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک فعالانه شرکت جویند و فعالیت انقلابی خود را به بهترین وجهی تحت حمایت توده‌های محروم و مبارز به شهر رسانند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران بر آن است که در شرایط مشخص کنونی برنامه عمل افشا و هواداران حزب بصورت زیرین مشخص می‌گردد:

- تجدید سازمان حزبی،
- رفتن بمیان مردم و برقراری ارتباط با توده‌ها و وسیع زحمتکشان،
- پخش نظرات حزب میان توده‌های مردم بهر وسیله ممکن،
- کمک به فعالیت مرکزی حزب.

اطلاعیه...

بقیه از صفحه ۱
۲- هسته‌های حزبی، ضمن عدم ارتباط با هم باید رعایت دقیق و اکید رهنمودهای سازمانی، سیاسی و ایدئولوژیک کمیته مرکزی را وظیفه خود بشمارند و بدانند که اصل عدم تمرکز فقط در حالی سودمند است، که با تبعیت از رهبری توأم باشد. اجرای این اصل ایجاب می‌کند که به وحدت سیاسی ایدئولوژیک بیش از پیش توجه شود و عدم تمرکز به بطور ناگزیر در عرصه سازمانی بوجود می‌آید، با وحدت سیاسی ایدئولوژیک جبران گردد.

۳- در شرایط ترور و اختناق کنونی به اصل مهم ترجیح کیفیت بر کمیت توجه خاصی شود. در پذیرش افراد به عضویت در هسته‌ها باید بسیار سخت گیر بود. صدیق ترین و وفادارترین آنها را انتخاب کرد. تجربه کار تشکیلاتی در شرایط مخفی نشان می‌دهد که همیشه اصل کمتر و بهتر بر اصل بیشتر و بدتر ترجیح دارد. این اصل

می‌کند. بدیهی است، هر کسی در جهت معکوس عمل کرده و یا افراد را به اتخاذ شیوه‌های دیگر ترغیب کند، دانسته و یا ندانسته بجز خلاف مصالح حزب گام برداشته است. باید این گونه افراد را طرد کرد.

۴- حفظ اسرار حزبی در موقعیت دشوار کنونی اهمیت ویژه‌ای دارد. هر عضو حزب باید در شرایط مخفی، در باره شیوه‌های کار حزب و نحوه اجرای آنها فقط آنقدر بداند که برای اجرای وظایف او لازم است. رعایت این اصل ضامن امنیت حزب و حفظ آن از دستبرد های بزرگ دشمن است. بدین ترتیب میتوان دایره خطر احتمالی را هر چه تنگ تر کرد. حرکت در جهت معکوس در حکم هموار کردن راه مخاطره و گسترش ابعاد آنست. باید دانست که کنجکاوی بیجا می‌تواند برای حزب نتایج بسیار ناگوار ببار آورد و باید زمینه رشد چنین پدیده‌های را قاطعاً از بین برد. تأکید بر این اصل به مفهوم عدم اعتماد به افراد حزب، صداقت و پایداری

بعد از بررسی مجدد و همه جانبه آن را تصریح

آزمود. را باید در کار سازمانی اکیداً مراعات کرد.
۵- تماس میان افراد هسته‌ها، علی‌الاصحی و منفردی خواهد بود، فقط در موارد ضروری میتوان تماس‌ها را پذیرفت.

۶- رعایت اصل عدم تمرکز به مفهوم صرف نظر کردن از کار علنی، در حیطه زیست و کار زحمت‌کشان نیست. هر جا که چنین امکانی وجود داشته باشد باید از آن حداکثر استفاده را کرد. در عین حال این استفاده نباید به نحوی باشد که امنیت هسته‌ها و اعضا آنها را به مخاطره اندازد. تلفیق کار مخفی و علنی کاریست بسیار ظریف و دقیق و این دو باید مکمل یکدیگر باشند نه نافی یکدیگر.

۷- اصل عدم تمرکز را باید بعنوان یک اصل پایه‌ای پذیرفت و از هر سوسه‌ای برای ایجاد واحد های بزرگ و بهم پیوسته، هر قدر هم که در ظاهر جذابیت داشته باشد، پرهیز کرد. این اصل است که پلنوم هیجده هم کمیته مرکزی حزب توده ایران پذیرفته و اکنون هیئت سیاسی نیز بعد از بررسی مجدد و همه جانبه آن را تصریح

شصت و چهار سال پیکار خونین

۶۴ سال پیش در جریان برگزاری کنگره حزب سوسیال دمکرات کارگری ایران - عبدالهدی در شهر انزلی تأسیس حزب کمونیست ایران رسماً اعلام شد. این حزب که بر پایه اصول آید نولو-ژیک و سازمانی مارکسیسم-لنینیسم تشکیل شده بود و از جهت همبستگی بین العنلی، پیکسیری انقلابی و مبین دوستانه پایگاه طبقاتی در میان زحمتکشان - بویژه کارگران - سازمانی دارای کیفیت نوین بود، توانست در میدان سیاست با مبارزه پیکر نقش مهمی ایفا کند.

حزب کمونیست ایران در شرایط بسیار حاد، مهم و ویژه‌ای تشکیل شد. از سوشی در نتیجه سرکوب انقلاب مشروطیت، وجود مناسبات عقب مانده اجتماعی - اقتصادی ارباب - رعیتی (فئودالی)، اشغال اراضی کشاورزان و دولت‌های امپریالیستی در جنگ جهانی اول، خودکامی مقامات محلی حکومت شاه با پشتیبانی امپریالیست‌های اشغالگر محرومیت تسوده‌ها از ابتدائی ترین حقوق انسانی و وضع طاقت - فرسای زندگی زحمتکشان، اوضاع نابسامان کشور تشدید شده بود. از سوی دیگر پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت و تأسیس اولین دولت سوسیالیستی جهان، پایان جنگ امپریالیستی و سپس شکست مداخلات مسلحانه امپریالیسم در کشور شوراها، استقرار حاکمیت شوروی در آسیایجان و سپس گسترش آن در ارمنستان و گرجستان و غیره، زمینه مساعدی برای اعتلا جنبش‌های پیش ملی و ضد امپریالیستی در ایران فراهم کرده بود.

فرار داد اسارت بار ۱۹۱۹ که بوسیله وثوق الدوله عامل سرسپرده امپریالیسم انگلیستا میخواست بر کشور ماحتمیل شود، با مقاومت شدید مردم روبرو شد و جنبش انقلابی در تمام نواحی، بخصوص شمال ایران، شکل مسلحانه بخود گرفت. هدف نهائی جنبش جبران ناکامی‌های ناشی از شکست انقلاب مشروطیت بود.

حزب کمونیست ایران که در آن ایام برجسته ترین فرد رهبری آن حیدر عموغلی (اشسار) از رهبران میرز انقلاب مشروطیت و از بنیان - گزاران جنبش سوسیال دمکراسی بود، با بسک جهان بینی علمی و مترقی و در شرایط یک جامعه

سیامک، علی امد و بسیاری دیگر محبوبیت خاصی در میان زحمتکشان دارند، و آنها که در زندان - نهایی رضاحان قهرمانانه استناد کی کردند و بد شهادت رسیدند از قهرمانان ملی کشور بشمار می‌روند. حجازی، شهاب دکترا علی ارانی از آن جمله اند.

در سال ۱۳۲۰ کمونیست‌های آزاد شده از زندان‌های رضاحانی، از جمله گروه ۵۳ نفر در ناپس "حزب توده ایران" سهم اساسی داشتند.

تاریخ حزب کمونیست ایران از ناکامی‌ها و دشواری‌های خالی نیست، اما شاخص فعالیت‌های آن نکان نیرومند فکری و سازمانی بود که در شرایط نامساعد اجتماعی بسبب ترقی و عدالت اجتماعی ایجاد کرد.

ارتجاع و عمال امپریالیسم همواره با زدن بر - چسبهای ناروی "جاسوسی"، "فد مبینی" و "فد دینی" و ایراد بیعتان‌ها و تحریف واقعیتها کوشیده‌اند که از اعتبار حزب کمونیست ایران بکاهند، و حزب توده ایران یعنی وارث بلا فصل حزب کمونیست ایران نیز در طول زندگی ۴۲ ساله سیاسی خود همیشه در مظان این اتهامات "سیا" - اخته بوده است.

حاکمیت جمهوری اسلامی علیرغم همه - مجاهدتهای حزب ما در پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، مبارزه با امپریالیسم، دفاع همه جانبه از حقوق زحمتکشان و آزادیهای دموکراتیک و افتخار ضد انقلاب، امروزه با نسبت دادن اتهامات "سیا" ساخت "جاسوسی"، "حیانت" و "مداخله - بیجا" استقلال کشور، هزاران نودهای را زیر شکنجه - های وحشیانه و ضد انسانی خود قرار داده و نا کون دهنانرا به قتل رسانده و یا به جود - های اعدام سپرده است.

با اینحال حزب توده ایران بتنا به برچسب ارتجاعی جنبش‌های بیخبر، در شرایط ترور و حذف حاکم بر کشور و سلطه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان بر شرایبهای اقتصادی مبین، راه پر - افتخار حزب کمونیست ایران را ادامه می‌دهد و در تحقق آرمانها و اهداف کارگران و دیگر زحمتکشان پیکار میکند و به نبرد خون تا پیروزی نهائی ادامه خواهد داد.

کارگران، دهقانان، و دیگر زحمتکشان، کسرتن و خدمت در برابر کلان سرمایه داران و بسزرگ - مالکان و دیگر غارتگران، محور آرمانهای سیاسی و اجتماعی، برندن افکندن و سخته نسردن و گسترش ایرانهای آزادی دوست، مبین پرست و دگراند پیش و دهها نمونه دیگر را در برگهای این دفتر با تمام میتوان یافت، اما این جنبش است که نسبت به کودکان و هر سالان انجام میگیرد براساس شرم آور است.

این آماجبان که بحد اجاره می‌دهند کودکان ده دوازده ساله ایرانی را، بخاطر برقرار کردن سلطه خود در سراسر منطقه، بعنوان کسوت دم توب به حیبه نمای جنگ بفرستند و هزاران تن از آنانرا فریادی کنند یا به اسارت بدهند، چه در سوره ۸

قرون وسطائی وارد عرصه مبارزه شده بود، راه دشواری در پیش داشت و با وجود آنکه لبه تیز حملات ارتجاع حاکم بر کشور، بویژه رضاحان، داثا متوجه این حزب بود و زندانهای ایران همواره پر از کمونیستها بود، حزب کمونیست ایسران توانست به پیروزیهای درخشانی نائل شود و ضربات سنگینی بر پیکر حاکمیت استشارک در دوران خود فرود آورد.

پیشنهادهای حزب کمونیست ایران در حل مسائل ارضی، ملی، استقلال سیاسی و اقتصادی و دمکراسی به همان نسبت که حکومت رضاحان را دچار وحشت کرد، با استقبال مردم مواجه شد. در عین حال مبارزه برای رشد صنعت، کشاورزی و فرهنگ از اهم وظایف حزبی بود.

حزب کمونیست ایران با انتشار روزنامه‌ها و مجلات گوناگون نقش موتری در رشد آگاهی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور داشت و در مدت کوتاهی توانست پشتیبانی بخش مهمی از زحمتکشان و روشنفکران جامعه را در پیشبرد اهداف مردمی خود جلب کند. اعتصاب کارگران نفت در سال ۱۳۰۸، اعتصاب کارگران نساجی اصفهان در سال ۱۳۱۰ و اعتصاب کارگران راه آهن شمالی، و همچنین مقاومتها و دانشجویی در دانشگاه تهران در نتیجه فعالیت‌های پیکر و انقلابی این حزب بود. همچنین در عرصه بین العنلی فعالیت‌های کمونیست‌های ایران در افتخار استبداد رضاحانی چشمگیر بود. مطبوعات "پیکار" و "ستاره سرخ" در خارج از کشور - که رضاحان کوشید ناشران آنها را به دادگاه جلب کند - حاوی اسناد گرانبهایی در این زمینه است.

از میان کمونیست‌های ایران چهره‌های درخشانی چون حیدر عموغلی، سیروس بهرام، ذره، حساس، نیک بین، پیدوری، ارانسی،

کودکان گوشت دم توپ

دفاع از کودکان و نسل آینده در مقابل خطرات و بلاهای طبیعی ترین و بدیهی ترین اصل فطری برای تمام انسانها و همه جانوران است.

در هیچیک از دورانهای تاریخی و نزد هیچ - کدام از بیوا مع انسانی نمیتوان چنین حالتی بر - خورد که برای نجات حتی مقدس ترین آرمانها، کودکانرا سهر بلا کرده باشند. برعکس، چه بسا انسانهای بی آزار، معقول، شریف و بشر دوست که تنها بخاطر دفاع از کودکان حاضر شد فاند سلاح بدست گیرند و جنگ کسانی برونند که امنیت فرزند - انسان را بخاطر انداختند.

تنها در جمهوری اسلامی ایران است که عکس

این عادت فطری تمام جوامع انسانی مشاهده می - شود و باید بدون درنگ گفت که این دیوا سکی خالص، از تمام جنایات فشریها هولناک تر و نفرت انگیزتر است.

فهرست نکیت هائی که فشریها بویژه طی دو سال اخیر بر مردم ما تحمیل کردند بسیار طولانی است: توهین و تحقیر و نوسری برای زنان، گسترش تعداد زوجات و به شوهر دادن زورکی دخترکان ده ساله به پسر مردان به این بهانه که دخترک خود راضی است، محو هنرهای زیبا از پهنه ایران زمین، قانون قصاص، دشمن کین توزانه با دانش و فرهنگ، باهمال کردن حقوق قانونی و انسانی

شورای نگهبان ...

بقیه از صفحه ۱

مجلس سنا در واقع زانده مجلس شورا بود، ولی در جمهوری اسلامی، مجلس در حقیقت دست نشانده و وابسته شورای نگهبان است. یعنی تصمیمات ۲۷۰ نماینده‌ای که قاعدتا منتخب مردم، موقوف به رد یا تصویب ۱۲ نفری است که منتخب نیستند، ساقه می‌شوند.

"شورای نگهبان" از روزیکه تشکیل شده و کمیته‌های جزئی حکم مواضع ارتجاع، ممانعت از هر گونه حرکت ترفیح‌خواهانه و حفظ هر چه بی‌کیفتر سامعین، مقامات و قشرهای ثروتمند و مره جامعه ایران، نداشته است. در دشمنی با آزادی و پیشرفت اجتماعی و دفاع از ارتجاع و استبداد، شورای نگهبان کوی سبقت را از همه ارکان سنا و سایر نهادهای ارباب‌مندی و سرکوبگر رژیم برده است. هم‌اکنون و در دوره‌ای که مفسدین عقانند مروج و مسلطی را در اذهان تداعی می‌کنند، مظهر دشمنی با خلق، و حافظ زلزل ناپذیر کهنه‌ترین افتخار، پیوسته‌ترین سازمانها، تبه‌کارترین دستگاه - ۱۶، در دریک جمله سد سدید راه ترقی و تکامل جامعه ایران اند. در این چهار سال دهه‌ها قانون مصوب مجلس شورای اسلامی، در پای معبد مغربان فئری، مستحجر و متعصب شورای نگهبان فریاد شده است. بقول خودشان آنها را ذبح شرمی کرده‌اند. بدیهی است که از این خسوش حد منی و سماجت تنها و تنها سرمایه‌داران و مالکان بزرگ ارضی و اعوان و انصار آنها بهره‌مند بوده‌اند.

این مفسدین عقانند، تجسم رژیم عوام فریب و حد عمرگی هستند که با سوءاستفاده از اعتقادات صمیمانه مردم، آنها را گمراه می‌کنند، منافعیشان را لک مال می‌نمایند، با دشمنان می‌سازند، دوستانشان را به جوخه‌های اعدام می‌سپارند و انقلابشان را به ضد انقلاب مبدل می‌سازند.

اگر کسی بخواد بداند که رژیم کنونی چیست چه می‌کند، چه می‌اندیشد و کشور را بکجا میبرد، باید به کارنامه سیاه این حضرات، بویژه بیسه کارنامه آن شش تن فقیه مراجعه کند. کافیست نکان کوچکی به پیکر این فقیه‌نمایان کزاند پیش بدید، از زیر پوشش شرمی آنها قیافه‌هایی ظاهر خواهد شد که با قیافه شریف امامها، جمشید انلم‌ها و سایر ستاورهای رژیم گذشته، تفاوت چندانی ندارد. آنها و اینها همه خادم یک دستگاه بوده و هستند. خادم دستگاه ظلم، ترور، استبداد، ستم بر زحمتکشان و مظلومان و خدمت به ستم‌گران و ظالمان. در این عرصه ستاور و فقیه شیسه هم اند.

آیا هنوز مرا نمی‌شناسی؟

من هزار بار مرده‌ام و باز هزار بار متولد شده‌ام. کدام نامم را می‌خواهی بدانی؟

در پشت هر یک از نامهای من سرهای از بدن جدا شده متاره شده اند، تن های در آتش سوخته و پیکرهای به دار آویخته صف کشیده اند.

من بردای دروغم که از من بزرگترین دروغ‌تاریخ را ساختند و چون لقمه‌هایی از گوشت تنم در دهان فرزند ام گذاشتند. من به چهره اشرافیت آذمخوار تف کردم. زمین را به آن کس که با ناخن و عسوق خود آن را بار آور می‌کرد دادم،

من گفتم: عدالت

اما به میام این گناه به نام عدالت سر از تنم جدا کردند...

من مردم که فریاد زدم: همه گرسنه‌ها باید سیر شوند. همه چیز برای همه کس. و به شکمهای فرسه من کشیدم. آنها مرا وازگونه در گور عدل نوشیروانی دفن کردند...

من صاحب الرنجم که پانصد هزار برده را از محرمه تا بصره شوراندم، به پاهای برهنه آنها کفش بویاندم و به جای زنجیری که بر گردن و داغی که بر پیشانی داشتند، شعیر در کفشان نهادم...

من بایگم که بر قلعه‌های سپند ایستادم و خود را در رویای سرخم آتش زدم.

به من گفتند زندگی ات را از خلیفه بخواه

اما من تقاضای زندگی ام را به صورت خلیفه تف کردم...

من ستارم، که از لوله تفنگ امیر خیز جرقه زدم، و در آبهای ارس منتشر شدم...

من حیدرم که با کوله باری از نان برآمدم و زمینهای وطنم را شیار زدم،

و هر تکه از وجودم را چون دانه گندم در این شیارها کاشتم...

من روزیه‌ام، که در میدان همه شهرهای سرزمینم ایستاده‌ام و از هر زخم صدائی می‌آید، کسه گرسنگان و شهیدان آن را خوب می‌شناسند.

من نامهای بی‌شماری دارم که هر یک از آنها گور شریف‌ترین مردم است...

آیا هنوز مرا نمی‌شناسی؟

یاد پنج شهید توده‌ای گرامی باد!

پر کرده بود.

ما مهران با شلیک اولین گلوله رفیق اسکندر روشن را به شهادت رساندند. مردم جسد نیمه جان او را بر سردست گرفتند و با شعار "مرگ بر شاه" بطرف بیمارستان حرکت کردند، اما تیسر - اندازی متوقف نشد و در فاصله کوتاهی چهار تن دیگر از رفقا به خون درغلطیدند.

عوامل خائن دربار مخفیانه جسد های پاک شهیدان توده‌ای را در سته‌جمعی در گورستان د وراقاده‌ای دفن کردند. مردم گورستان مخفی را کشف کردند و رفقای شهید را جداگانه بیسه خاک سپردند. مزدوران دربار پهلوی در حمله مجدد به جمع سوگواران، طوس روشن خواهر رفیق شهید اسکندر روشن را نیز مضروب کردند و چند روز بعد او نیز به فافله شهدا پیوست.

سالروز مرگ این رفقا را در سی و یکمین سال شهادتشان گرامی می‌داریم.

۲۹ خرداد سالروز شهادت پرافتخار پنج رفیق توده‌ای است. سال ۱۳۳۲ در جنیسن روزی هنگامی که جنبش انقلابی میهن به اوج رسید رسید به مزدوران مسلح دربار پهلوی با حمله به میتینگ حزب توده ایران در بابل، پیکر رفقا اسکندر روشن (راننده)، احمد صدای حق (کارگر)، علی بابا - آجوز، (د هفان) و حسین مقدوری (کارگر) را به خون کشیدند.

در این روز میتینگ حزب ما با اجازه رسمی مقامات دولتی و در اعتراض به مداخلات شاه و دربار در امور کشور برگزار شد. عوامل دولت که از مبارزات حق طلبانه مردم در هراس بودند بیسه نظاهرات ضد سلطنتی مردم و حزب طبقه کارگر ایران حمله بردند. هدف آنها ایجاد رعب و وحشت در مردم و نسبت دادن این جنایت به دولت مسدق و از این طریق ایجاد تفرقه در صفوف خلق بود. این یورش و حثیانه زمانسی اتفاق افتاد که فریاد "مرگ بر شاه" و "مرگ بر سلطنت استبدادی" چون غرش رعد فضای بابل را

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

حساب بانکی ما:
Sweden
Stockholm
Sparbanken Stockholm
N: 040012650
Dr. John Takman





“به حرف برزینسکی گوش دادند”

را دو برابر سازد.
برزینسکی در مصاحبه تلویزیونی پیشگفته افزود:
چنانچه اقدام عربستان سعودی کافی نباشد
لازم است که به دعوت کشورهای عرب درگیر و بسا
همکاری فرانسوی‌ها و بریتانیایی‌ها نیروهای
دریایی و هوایی ایالات متحده آمریکا خود وارد
عرصه جنگ شوند.

شاید خوش‌باوری بگوید: “الحمد لله کسه
مشاور کارتر دیگر مشاور ریگان نیست.” اما
بینیم اید وارد لایه‌ها مشاور کنونی ریگان و
“پنتاگون” چه اندر زید هدیم ایالات متحده
باید امکان حمله به نیروهای هوایی ایران و عراق
را بررسی کند. (اینترنشنال هرالد تریبیون،
۷ ژوئن ۱۹۸۴)

این گستاخی حتی مفسری بورژوازی چون
“ولیم فاف” را به حیرت واداشته است. وی در
مقاله‌ای در شماره ۷ ژوئن ۱۹۸۴ در “اینترنشنال
هرالد تریبیون” می‌نویسد: “چرا باید ایالات
متحده به چنین اقداماتی دست زند؟”

ولیم فاف مؤدبانانه می‌افزاید که واشنگتن
میخواهد بگوید که نمی‌توان از متحدان (آمریکا)
انتظار درک مسائل غاضق‌تر و حفظ منافع خویش
را داشت. به نوشته “ایزوستیا”، آمریکا بسه
متحدان خود فشار می‌آورد، تا به اقدامات مشترکی
در خلیج فارس دست زنند. بر پایه گزارشهای
مطبوعات غربی، بریتانیا بیش از دیگران در این
زمینه آمادگی از خود نشان داده است. از اینرو
واشنگتن یک هیئت ویژه به لندن فرستاد تا در
بقیه در صفحه ۷

خلیج فارس مورد حمله قرار داد و نابود ساخت.
علاوه بر اینکه سرنشینان هواپیمای سوخت رسان
“ک.سی. ۱۰” آمریکائی بودند، به گسزارش
“اینترنشنال هرالد تریبیون” (۱ ژوئن ۱۹۸۴)
و به نقل از یک منبع دیپلماتیک واشنگتن، کسه
به اطلاعات مقامات عربستان سعودی دسترسی
دارد، یک هواپیمای جاسوسی “آواکس” آمریکا
در هدایت فانتوم‌های “اف-۱۵”، عربستان
سعودی و نابودی هواپیمای “اف-۴” هوا-
پیمای ایران شرکت مستقیم داشت.

“اینترنشنال هرالد تریبیون” در شماره ۷
ژوئن خود گزارش می‌دهد که برزینسکی، مشاور
امنیتی کارتر، که تزه‌های شوروی ستیزانه‌اش دیری
است به برنامه عمل سران جمهوری اسلامی بدل
شده است، یک هفته پیش از رویداد نامبرده
اظهار داشته بود، که باید عربستان سعودی را
به حمله به هواپیماهای ایران تشویق کرد.
بنوشته این روزنامه آمریکائی، چنین مینماید، کسه
سعودیها به حرف او گوش دادند.

همین روزنامه در شماره ۲۰ مه ۱۹۸۴ بسه
نقل از مقامات رسمی عربستان سعودی گزارش
داده بود، حتی پیش از تحولات اخیر جنگ
“انتظار ککهای نظامی نامبرده به عربستان
سعودی میرفت و بالا گرفتن جنگ نهایت شد،
که آمریکا در واپسین لحظات میزان این تسلیحات

دولت ایالات متحده آمریکا، که مشوق اصلی
جنگ ایران و عراق بوده، همواره از این جنگ
برای پیشبرد مقاصد توسعه طلبانه خود در منطقه
خلیج فارس و اقیانوس هند بهره جسته است.
امپریالیسم آمریکا به بهانه این جنگ و بسا
بلند کردن چماق “خطر شوروی” ناوگانی عظیم را
در این منطقه مستقر ساخته است.

پس از آنکه کارتر، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا
نخستین بار منطقه خلیج فارس را بعنوان “حریم
منافع حیاتی” امپریالیسم آمریکا اعلام داشت،
چندی پیش هیوز، نماینده وزارت خارجه آمریکا
در پیوند با رویدادهای اخیر منطقه، باز دیگر
حاضر نشان ساخت.

“منطقه خلیج فارس برای ما منطقه منافع حیاتی
است.”

اینکه واردات نفتی آمریکا تنها بیسزبان ۳
درصد از منطقه خلیج فارس تأمین میشود، آمریکا
را باز نداشته است، که وظیفه پاسداری تنگه
هرمز و تأمین “آزادی” کشتیرانی را در خلیج
فارس از آن خوش‌خواند.

در پی واگذاری ۴۰۰ موشک ضد هواپیما
“استینگر”، ۲۰۰ موشک انداز و یک هواپیمای
سوخت رسان از جانب آمریکا به عربستان سعودی
روز ۱۶ ژوئن ۱۹۸۴ نیروی هوایی عربستان
سعودی دو هواپیما، جنگی ایران را بر فراز

به جنگ خانمان سوز با عراق پایان دهید!

هنرمندان راستین همیشه با مردمند

دیارشان هیچ حائل و مانعی نبود از مردم قهرمان وقدردان سرزمینشان بریدند؟ " آقای رئیس جمهور در حقیقت زیر پوشش فریبنده عبارات شعواء- فریبانه و تظاهر به نمایندگی مردم رد کم میکند و دستگیری و شکنجه هنرمندان را به حساب بریدن آنها از مردم مینویسد . مردم میگویند : آقای رئیس جمهور اگر راست میگویند و یکی کفش نداشتید در راهای کنستارگاه اوین را بگنایید هنرمندان خلق به میان مردم باز خواهند گشت . اصل قضیه این است که رئیس جمهور میدانند هنرمندان متعهد با ارتجاع حاکم به هیچ وجه شراکتی ندارند .

رئیس جمهور در حقیقت با نشان دادن " در باغ سبز " سوداگرانه دست التماس به سوی هشتی روشنفکری خاصیت دراز میکند که از سالها پیش قلمها را غلاف کرده اند و حالا نیز برای اینکه از این خوان گسترده سبیلی چرب کنند با ستاد ضرب العطل "العافل یکنی فی الاشارة" منتظرند تا رئیس جمهور "محبوب" لطف کند و سهم آنها را در ازاا خیانت به مردم و تائید جنایتهای رژیم "مرحمت فرماید" .

محتوای فرمایشی این "مجامع" شرایط شکل گیری و برگزاری "کنگره ها" و "سینارها" برای مردم شناخته شده و به ماهیت کار چرخانان این "مجامع" نیز پی برده اند . مردم ما میدانند که در رژیم اسلامی هر زبان حقوقی بریده شده ، و هر قلم پویائی شکسته شده ، و زندانها پر است از هنرمندانی که از پیشقراولان مبارزات انقلابی کشور بودند امروز به همان "جرم" زیر شکنجه های قرون وسطائی مشغول میشوند .

مردم ما میدانند که امروز مداحان شاه و فسرچ پهلوی یعنی مخالفان واقعی هنرمندان متعهد انقلابی و اشخاصی از این دست گردانندگان خیمه شب بازی های امروزند ، و مدعیان حمایت از هنر و هنرمند " هنوز دستان تا مرفق آلوده خود را از خون شاعرانی چون "سعید سلطانپور" نشسته اند . آقای رئیس جمهور میگوید : "چرا پاره ای از هنرمندان در روزگاری که میان آنان و مردم

" چهارمین دنگره شعر ۰۰۰ " در کنار آرامگاه حافظ در شیراز برگزار شد . در این کنگره پیام رئیس جمهور خوانده شد . در قسمتی از این پیام گفته میشود : " تاریخ در باره حضور یا عدم حضور هنرمندان در چنین مجامعی قضاوت خواهد کرد " .

از اینکه تاریخ در باره حضور یا عدم حضور هنرمندان در چنین مجامع فرمایشی به سر حال قضاوت خواهد کرد ، تردیدی نیست ، کما اینکه در رژیم پهلوی نیز قضاوت روشن و قاطع تاریخ را در باره شرکت هنرمندان در کنگره های آنچنانسی دیده ایم . امروز نیز پیر با تجربه تاریخ ، نه از زاویه دید آقای رئیس جمهور که در حرف خود را "امانت دار مردم" میداند ، بلکه از زاویه دید مردمی که خلاف این ادعا را در عمل دریافته اند به داورى نهائی خواهد نشست . اکنون دیگر علیرغم سروصدای همه کوس و کرناها

آزادی زندانیان سیاسی

بقیه از صفحه ۱
های دستر در آن بیانگر "تعليق" حکومت است و نه آزادی . مثلا "حکومت محکومین به شسلاق تعزیری به مدت ۲ سال تعليق می گردد" و یسا " مدت محکومیت محکومین تا شش ماه حبس مدت ۲ سال معلق میگردد" و " محکومین از ده سال به بالا در صورتی که یک پنجم مدت محکومیت را تحفل نموده باشند بقیه مدت محکومیت به ۵ سال معلق میگردد" . ملاحظه می کنید که چه بسیری اسلامی ریش و قیجی را در دست خود دارد ، و علاوه بر همه اماها و مگرها این شرط اساسی را که اگر "بر دادستان معلوم شود که زندان در روحيه آنان مؤثر بوده و ندامت حاصل شده باشد" چو ششسیر داموکلس تا پایان عمر حتی ، بالای سر محکومین عادی می آویزد .

در بخشنامه یاد شده ظاهرا جرائم زیرسر - شامل هفت بند - از مشمول عفو مستثنی هستند . " ابتدا پنج بند اول را مرور می کنیم : " ۱ - اختلاس و ارتشا ، از ۵۰۰ هزار به بالا و تصرف غیر قانونی در اموال عمومی و غارت بیت المال ،

۲ - سرقتهای مسلحانه ، راهزنی در راهها و شوارع و سرقتهای دارای کیفیت متدده ۰۰۰ ، ۳ - کلاه برداری و خیانت در امانت ، ۴ - منافی عفت به عفت ،

۵ - وارد کنندگان و موزعین مواد مخدر تا پنج گرم و تا ۵۰ گرم مواد افیونی " .

(اطلاعات - ۲ آشنه ۱۴ خرداد ۶۳)
تا اینجا ارتجاع حاکم چهره حق بجانب گرفته و به مبارزه با اختلاس و ارتشا ، جلوگیری از سرقتهای مسلحانه ، کلاه برداری ، خیانت در امانت و توزیع و استعمال مواد مخدر تظاهر می کند . در حالیکه اختلاس کنندگان و رشوه بگیران

اطلاعیه

بقیه از صفحه ۱
آنها نیست ، بلکه به معنی رعایت يك اصل آزوده مبارزه مخفی است ، که در شرایط کنونی کشور ما اهمیت ویژه ای دارد .

۹ - رهبری حزب فقط بر اساس شیوه های سازمانی فوق عمل خواهد کرد و بالطبع هیچ کبته یا سازمانی را که بر اساس شیوه های سازمانی دیگر به وجود آمده باشند یا به وجود آیند برسمیت نخواهد شناخت .

۱۰ - رهبرید های سازمانی فوق شامل سازما جوانان توده ایران نیز می گردد .

هئیت سیاسی کبته مرکزی از رفقای حزبی در هر جا که هستند انتظار دارد که اصول فوق را دقیقاً و اکیداً مراعات کنند . باید توجه داشت

این گام بزرگ و با اهمیت است در راه احیاء سازمانهای حزبی در ایران و این امر در سر اوجه حزبی ما قرار دارد .

" توه آنان نزد دادستان و حاکم شرع محرز باشد " در حقیقت هر روزتهای را بر انقلابیون می بندد .

ارتجاع حاکم به همان نیرنگها و عوام فریبی - هایی دست می زند که رژیم شاه به آنها متوسل می شد . در آن رژیم کسانی مورد "عفو ملوکانه" قرار می گرفتند و علیرغم همه سرو صداها و تبلیغات مردم محتوای واقعی "بخش ملوکانه" را می دانستند که چیزی جز خیانت به مردم نیست . در نهایت این خود مردم بودند که در راهای زندانها را بروی فرزندان مبارز خلسق یعنی زندانیان سیاسی گشودند .

بزرگ ، سارقین ملحق که نیه های شب به خانه مردم هجوم می برند و به جرم گفتن حرف حق اموالشان را به یغما می برند ، کلاه سرداران حرفه ای و کارچاق کن ها و بسیاری از موزعین دست اول مواد مخدر و منافقان واقعی عفت عمومی خود در رأس کارند و خواب راحت از مردم ربوده اند .

اما جان کلام " ۲ بند آخر است که مربوط به زندانیان سیاسی میباشد که از شمول "عفو" مستثنی هستند :

۶ - جرائم گروههای انقلاب ، بحاربین و مفسدین ، مگر اینکه هوادار ساده بوده و توه کرده باشند و توه آنان نزد دادستان و حاکم شرع محرز باشد ، و افراد فرق ضاله و جواسیس (جاسوس ها) ؛

" ۷ - کسانی که آزادی آنان از زندان باعث اختلال در نظم عمومی و ایجاد جو بدبینی در جامعه میگردد به تشخیص دادستان " .

ارتجاع حاکم به تبعیت از ماهیت طبقاتی خود و احساس خطر از جانب نیروهای انقلابی حتی از آزاد کردن " هواداران ساده " حزب توده ایران ، سازمان فدائیان خلق (اکثریت) سازمان مجاهدین خلق و دیگر نیروهای انقلابی وحشت دارد و به بهانه جلوگیری از "اختلال در نظم عمومی و ایجاد جو بدبینی" دشمنان طبقاتی خود را اگر اعدام نکند ، تحت شدیدترین شکنجه های جسمی و روحی در سیاه چال های اوین در بند میگذارد ، اما برای فریب افکار عمومی و انجام به اصطلاح " تکلیف شرعی" و باز کردن راه گریزی برای خود در مقابل فشار افکار عمومی به هواداران ساده راه " توه " را نشان میدهد و با تأکید بر این نکته که

مردم آزادیخواه ایران! برای نجات جان زنده بگوران سلول های زندان اوین و دیگر زندانها، صدای اعتراض خود را بلند کنید!

مجلس حرف، نه مجلس عمل

آقای خامنه‌ای در جلسه افتتاحیه دومین دوره مجلس شورای اسلامی بهنگام بر شمردن وظایف مجلس از جمله گفت: "قوانینی که برای تعیین مرزهایی همچون مالکیت دولتی، خصوصاً و تعارضی وجود دارد مجلس باید مشخص کند و تکلیف همه را روشن سازد". رئیس جمهور سپس افزود: "مسئله توزیع عادلانه درآمد ها، مسئله نظام پرداخت مالیاتی، تجارت خارجی، مسئله بسیار مهم زمینهای کشاورزی، مسئله مهاجرت و... اینها مسائلی است که باید آنها را دنبال کنید" (اطلاعات ۸ خرداد ۶۳) رئیس مسائلی که آقای خامنه‌ای از آنها بعنوان وظایف دوره دوم مجلس نام بردند در واقع مهمترین و عیدترین مسائل بحث نمایندگان دوره اول بود. آقای خامنه‌ای به جای بر شمردن این وظایف توضیح می‌دادند که چرا دوره اول مجلس طی چهار سال فعالیت خود قادر به حل آنها نشد؟ چه عوامل و نیروهای مانع طرح و تصویب قوانین مرفقی شدند و چرا ارگان قانون گذاری جمهوری اسلامی که با عده و وعید های انقلابی آغاز بکار کرد، پس از گذشت چهار سال قادر نشد در هیچیک از عرصه های مهم اقتصاد اجتماعی و سیاسی، قانونی در جهت استقلال کشور و تأمین حقوق و منافع زحمتکشان تصویب کند؟

مردم ایران توقع داشتند مجلس شورای اسلام که در جوانی انقلابی و ضد امپریالیستی پا گرفت با طرح و تصویب لوایح و قوانین مرفقی در جهت براندازی بساط بزرگ مالکی و کلان سرمایه - داری وابسته به امپریالیسم، تأمین منافع و نیازهای توده های زحمتکش، همچنین استقلال و پیشرفت کشور عمل کند. اما رئیس وظایف انجام شده مجلس، که آقای خامنه‌ای آنها را بر شمرده مؤید این واقعیت است که مجلس شورای اسلامی منعکس کننده منافع توده ها نبود. اگر ارگان قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران بعنوان یک نهاد خلقی عمل می‌کرد و اساس و محور فعالیتهايش را حمایت از توده های محسوم و مستعکس قرار می‌داد، در آنصورت هیچ يك از

وظایف فوق پس از گذشت چهار سال از عمر مجلس و پنج سال و چند ماه از عمر انقلاب - یخچل باقی نمی ماند. مردم ما حق دارند بپرسند مجلسی که مرز مالکیت را تعیین نکرده، تکلیف زمینهای کشاورزی را روشن نساخته و برای هیچ يك از معضلات اجتماعی - اقتصادی جامعه راه حل درستی ارائه نداده، پس چه کرده است؟ ۲۷۰ هزار عرض چهار سال سرگرم و مشغول چه کاری بودند؟ اینهمه وقت در بحرانی ترین شرایط کشور صرف چه شده است؟ به این ترتیب معلوم می‌شود اینهمه نماینده به حساب بیت المال و حاصل رنج و کار توده های ستمدیده هر روز در مجلس گرد می‌آیند که لواایح از نوع لایحه قصاص قرون وسطایی تصویب کنند و نحوه بریدن گوش، قطع دست و سنگسار کردن مردم را تعیین کنند!

واقعیت این است که مجلس شورای اسلامی از آنجبت قادر به طرح و تصویب قوانین مرفقی نشد که چنین اقدامی مغایر با منافع و خواسته های بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران بود. مجلس شورای اسلامی بر سر د راهی دهقان و مالک، کارگر و سرمایه دار، ظالم و مظلوم و استغلال و وابستگی طریق دفاع از بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری و استثمار و چپاول انحصارات امپریالیستی را در پیش گرفت و به توده های زحمتکش به ویژه کارگران و دهقانان و در واقع به اهداف واقعی انقلاب بهمن ۵۷ پشت کرد. علت "روشن نشدن" تکلیف مالکیت، لایحه اصلاحات ارضی و بازرگانی خارجی و غیره که آقای خامنه‌ای عمداً و آگاهانه از آن غفلت می‌ورزد همین است.

مجلس دوره دوم نیز همچون سلف خود قادر به تصویب قوانین مرفقی در جهت تأمین نیازها و منافع توده ها نخواهد بود. این مجلس با توجه به ترکیب ارتجاعی اش - در راستای دفاع از خواسته ها و منافع طبقات غارتگر و استثمارگر عمل خواهد کرد و خواهد کوشید تا از مضمون و ماهیت نظام استثماری سرمایه داری وابسته در پوشش " احکام شرعی " تحت حمایت قانون پاسداری کند.

تحولات نامبرده نشان می‌دهد که مداخله ایالات متحده آمریکا در جنگ میان ایران و عراق مرحله کیفی جدیدی را می‌گذراند. باصطلاح "جنگ فراموش شده" خلیج فارس بیش از همه وقت علاج منطقه و جهان را تهدید می‌کند. پایان فوری جنگ تنها میتواند بسود خلفهای منطقه، از جمله مردم رنج دیده ما، و بزبان امپریالیسم و ارتجاع باشد.

خبرنگاران نامه مردم "در میان مردم"

در دوره کوتاه انتشار دوره جدید "نامه مردم" از رفقای حزبی نامه‌هایی دریافت کردیم که بیانگر واقعیت های تلخ امروزی در جامعه ماست از این پس هر هفته خلاصه بخشی از این نامه ها را در این ستون می‌آوریم. سعی می‌شود که این نامه ها بطور موضوعی دسته بندی شود و هر بار این ستون به موضوع شخصی اختصاص یابد. طرح این مسائل می‌تواند در افشای سیاستهای ضد مردمی رژیم سود مند باشد. از رفقا می‌خواهیم که در این باره ما را بیشتر یاری کنند.

درباره انتخابات مجلس

... باید بگویم مسئله اصلی و بسیار چشم گیر شرکت نکردن مردم در انتخابات بود. اغلب مردم برای اینکه شناسنامه‌هایشان مهسر بخورد از ترس شرکت می‌کردند اما رأی سفید میدادند.

... در کرج آقای خلخالی به طرفداری از آقای شجوی نماینده دور اول که طرفدار سرمایه دارهاست سخنرانی کرد. حتی به حاضرین چلوکباب دادند ولی...

... در انتخابات اردکان یک نفر از طرف حوزه علمیه کاندید شده بود و یک نفر از طرف خود مردم. نتیجه رای گیری این بود که کاندیدی حوزه علمیه سر از صندوق بیرون آورد. مسردم متوجه شدند که در آراء اغلب شده است. اطراف محل برگزاری انتخابات را محاصره کردند و تهدید کردند که فرماندارا را تکه تکه خواهند کرد. مردم ۲۴ ساعت آبا را به روی محاصره کنندگان بستند، و فرماندار از شهر فرساری شد. قول دادند که انتخابات را تجدید کنند.

... مردم جنوب شهر تهران اکثراً بسه گوشت، تخم مرغ، مرغ، و برنج رای داده بودند. در خیابان صدق، روبروی پارک ملت، هیچ کس برای دادن رای به صندوق مراجعه نکرد، صندوق را به داخل پارک منتقل کردند، نتیجه همان بود: کسی رای نداد.

... دکتر فرهنگ رئیس بیمارستان شهدا و از سران حجتیه در زمره کاندیداهای مجلس بود، یکی از مستخدمین که د فرزندش در جنگ شهید شده بودند او را افشا کرد و گفت که تاکنون حکم اخراجی و انتقال ۱۶۰ نفر را صادر کرده است. وی با پارچ آب توی سرد کتر فرهنگ کوبید و گفت "برو ریش را بزن کثافت. تو اگر انسان بودی باعث بیچارگی مردم نمی‌شدی". ۸۰۰ در صد کارکنان بیمارستان شهدا در انتخابات شرکت نکردند و ۲۰ درصد بقیه اغلب رأی باطل به صندوق ریختند.

"به حرف..."

بقیه از صفحه ۵
باره تدارک این اقدامات مشترك به گفتگو بهبود آرد. ارجاع درخواست كلك نظامی برخی از کشورهای "شورای همکاری خلیج (فارس)" را به متحدان اروپایی از سوی ایالات متحده آمریکا نیز باید در این چارچوب گسترش دامنه عملکرد "تاتو" به منطقه خلیج فارس ارزیابی کرد.

تلفیق هشیارانه کار مخفی و علنی در شرایط کنونی
يك وظیفه انقلابی است

چه کسی منشور بازیهای المپیک را نقض میکند؟

در سال ۱۹۸۰ هنگامیکه دولت آمریکا بازیهای المپیک در مسکو را تحریم کرد، خشم و هیسرت دوستان ورزش را در سراسر جهان فرا گرفت. حتی کمیته ملی المپیک آمریکا از این دخالت خشن در امر ورزش بین المللی نگران شد و باید گفت که تلاشهای جدی برای لغو آن تصمیم نادرست نیز بعمل آورد. تصمیم دولت آمریکا بطور مطلق به دلایل سیاسی اتخاذ شده بود و هیچ ارتباطی با منشور بازیهای المپیک نداشت. ضمناً دولت آمریکا حداکثر فشار را نیز روی کشورهای متحد خود در پیمان ناتو و خارج از آن وارد آورد تا به او بپیوندند.

در آن هنگام بود که کمیته بین المللی المپیک میبایست در تصمیم خود منی بر واگذار کردن بازیهای بعدی به شهر لس آنجلس تجدید نظر کند. ایالات متحده آمریکا اخلاقاً دیگر این حق را نداشت که مهماندار آنها باشد، زیرا عدم احترام خود به منشور المپیک را اثبات و آنسرا عملاً پایمال کرده بود.

هنوز در زمانیکه نامزدی شهر لس آنجلس برای برگزاری بازیهای المپیک در سال ۱۹۸۴ در دست بررسی بود، کمیته سازماندهی بازیها نتوانست یک سند کتبی از دولت آمریکا دریافت کند که در آن رعایت منشور بازیهای المپیک تعهد شده باشد. پس از مدتها کوشش و تقاضا ریگان رئیس جمهور آمریکا بصورت شفاهی آنها را با تلفن چنین تعهدی داد. در تاریخ بازیهای المپیک چنین برخورد خود پستدانه و بی احترامی نسبت به جنبش المپیک سابقه ندارد. لس آنجلس کیلانین رئیس سابق کمیته بین المللی المپیک بعد ها گفت که جریان تأیید نامزدی لس آنجلس برای مهمانداری بازیهای المپیک از همان آغاز صورت بدی بخود گرفت.

کدامیک از مواد منشور المپیک بطور جدی در لس آنجلس نقض شده است؟
قاعده ۲۶ منشور المپیک که در آن گفته میشود: "کمیته سازماندهی بازیهای المپیک باید یک دهکده المپیک برای مردان و بکسی برای زنان تدارک ببیند". آمریکا شرفتمند نخواست هزینه های لازم برای اجرای این تعهد را تغیل کند و به استفاده از خوابگاههای

قدیمی دانشجویی که در چهار نقطه دوران هم واقع شده اند اکتفا نمود. اینهم در تاریخ بازیهای المپیک سابقه نداشته است.

انستروکسیون شماره ۲ ضمیمه منشور المپیک بدین شرح: - "بازیهای المپیک هدف معنوی دارد. بهیچکس اجازه داده نمیشود که در بازیهای المپیک بدنبال سود جوئی باشد". دولت آمریکا به این خواست چگونه پاسخ داد؟ کمیته سازماندهی بازیها در لس آنجلس بصورت یک بنگاه بازرگانی پایه گذاری شده. هزینه گذراندن شب در خوابگاه برای ورزشکاران دو برابر گردید. خشن ترین جنگ اندازی در این جهت مسئله آتش المپیک بوده که کمیته سازماندهی انتقال آنرا به فروش گذاشت و قیمت آنرا ۳۰۰۰ دلار برای یک کیلومتر معین کرده. اعتراضات محافل جهانی و المپیک و همچنین کمیته ملی المپیک یونان، سازماندهندگان آمریکائی بازیها را سرعقل نیارود. در چنین وضعی کمیته ملی المپیک یونان با عبور آتش المپیک از خاک یونان موافقت نکرد و آتش را از المپ با هلیکوپتر به آتن آوردند. قاعده شماره ۳ مبنی بر اینکه: - "ورزشکاران همه کشورها برای رویا شرافتمندانه و عادلانه به بازیهای المپیک می آیند. اجسازه تبعیض نسبت به هیچ کشور و شخصی به سبب نژادی، مذهبی و یا علل سیاسی داده نمیشود". در واشنگتن و لس آنجلس با این خواست اصولی چگونه روبرو شدند؟ اجازه دادند که گروهکهای ضد شوروی و ضد کمونیستی برای تخریب بازیها آزادانه سازمان داده شوند.

هیچیک از مقامات رسمی نخواست و نتوانست شرایط عادی برای آمادگی و گذران ورزشکاران را تاءمین کند. خانم جین کرک پاتریک عضو دولت آمریکا و نماینده این کشور در سازمان ملل متحد وقحانه اعلام کرد که مقامات حاکمه در کالیفرنیا نمی توانند تظاهرات ضد شوروی و ضد کمونیستی را بهنگام بازیهای المپیک ممنوع کنند. نجاست به سخنان برابن جنکینس کارشناس تروریسم بین المللی در آمریکا نیز اشاره شود که در روزنامه لس آنجلس تایمز نوشت: "اخیراً انفجار بمب و تراندازی علیه نمایندگان سیاسی اتحاد شوروی و محل سکونت کارمندان

آنها بقدری زیاد بوده که بحق میتواند در آنها ایجاد نگرانی کند".

ضمناً اظهارات یکی از سران گروهکهای ضد شوروی بنام جین ولسر در حور توجه است که میگوید: "ما از تصمیم روسها برای عدم شرکت در بازیهای المپیک خیلی خوشحالیم". پس دیگر چرا اینقدر در مورد بایکوت روسها، بازیهای موازی و یا دخالت "روسها" در مبارزات انتخاباتی کاغذ سیاه می کنند؟ مگر اینقدر دشوار است که تفاوت میان بایکوت بازیها از جانب دولت آمریکا در سال ۱۹۸۰ و تصمیم کمیته های ملی المپیک در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و در حال رشد را برای عدم شرکت در بازیهای المپیک در لس آنجلس درک کنند؟

حق مسلم هر کمیته ملی المپیک است که تصمیم بگیرد آیا در بازیهای المپیک شرایط معین موجود در یک کشور مهماندار، شرکت می کند یا نه. مجموع رویدادها نشان میدهد که در لس آنجلس برنامه ویژه ای برای پرووکاسیون بزرگ ضد شوروی و ضد سوسیالیستی، در صورت حضور ورزشکاران اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی تدارک دیده شده بوده است. اشخاص واقع بین در جنبش المپیک و محافیل برجسته اجتماعی در بسیاری از کشورها نسبت به آینده بازیهای المپیک به حق با نگرانی نگاه می کنند.

از بازیهای المپیک که برای سال ۱۹۸۸ در شهر سئول واقع در کره جنوبی در نظر گرفته شده آیا میتوان انتظار خوبی داشت؟

خوانندگان عزیز!

به این نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

**NAMEH
MARDOM
No.3**

JUNE 21, 1984

Price

W. Germany	50 Pf
France	1,50 fr
Austria	4 öS
England	30 p
Italy	300 L.
USA	20 cts

چون همه مردم بتدریج دارند پی میبرند که هدف از ادامه جنگ دیگر ناع از وطن نیست بلکه کشور گشایی و صدور "انقلاب" می باشد، برای قشریها روز به روز دشوارتر میشود که جوانان به سنین عقل رسیده را برای شرکت در جنگ فریب دهند و بدین جهت به سراغ کودکان نوحاسته رفتند که در مقابل مغز شوئی استعداد مقاومت کمتری دارند. این ننگ بزرگ را تاریخ به ما نخواهد بخشید که کودکان خرد سال ایرانی را مثل ریگ بیابان در جبهه های جنگ به کشتن بدهند و ما ساکت بمانیم.

کودکان...

بقیه از صفحه ۳

چگونه می توانند خود را لایق نام انسان بدانند؟ چطور میتوان از یک بچه معسوم خواست که بی محابا آدم بکشد و کشته شود؟ واقعاً سختی میتوان کلماتی یافت که بیانگر ذوق این اعمال دهشت بار باشد.

باید به این جنایتکاری مهیب که مبتکرانش روحانیون قشری و فرماندهی سپاه پاسداران اند بشدت اعتراض کرد و جان کودکان بیگناه ایرانی را نجات داد.